

حارث بن یزید و ابن عماد، ج ۱، ص ۶۷ حارث بن یزید ذکر کرده‌اند که صحیح نیست) و ازین رو، وی را ریاحی، یربوعی، خنظلی و تعمی خوانده‌اند (به بلاذری، ج ۲، ص ۴۷۲، ۴۷۶، ۴۸۹؛ دینوری، ص ۲۴۹؛ طبری، ج ۵، ص ۴۲۲). خاندان حرّ در زمان جاهلیت و در دوره اسلام از بزرگان بودند (به سماوی، ص ۲۰۳). تاریخ تولد حرّ معلوم نیست؛ اگر گزارشهای حاکی از حضور پسران وی در واقعه کربلا (به ادامه مقاله) صحت داشته باشد، وی احتمالاً در سالهای نخست هجری به دنیا آمده است. درباره زندگی حرّ اطلاعات اندکی وجود دارد. وی در سال ۶۰، یکی از شناخته‌شده‌ترین جنگاوران کوفه بود (به طبری، ج ۵، ص ۳۹۲، ۴۲۷؛ ابن کثیر، ج ۸، ص ۱۹۵). در برخی منابع، به اشتباه، از وی با عنوان صاحب شرطه عبیدالله بن زیاد، حاکم کوفه، یاد شده است (به ابن جوزی، ج ۵، ص ۳۳۵؛ ابن وردی، ج ۱، ص ۲۳۱). با این حال، انتصاب وی به فرماندهی بخشی از سپاه اعزامی عبیدالله بن زیاد (که از قبایل تعمی و همدان بودند) برای مواجهه با امام حسین علیه السلام (طبری، ج ۵، ص ۴۲۲) و نیز انضباط نظامی و پایبندی‌اش به اجرای دقیق فرمانهای حکومتی (به بلاذری، ج ۲، ص ۴۷۳؛ دینوری، ص ۲۵۲؛ طبری، ج ۵، ص ۴۰۳-۴۰۲)، حضور او را به عنوان صاحب منصبی نظامی (نه لزوماً صاحب شرطه) در دستگاه حکومتی ابن زیاد تأیید می‌کند. این ظن به‌ویژه از آن رو تقویت می‌شود که وی ظاهراً با سیاست میانهای نداشته و در هیچ منبعی از عقیده حرّ یا موضع‌گیری سیاسی‌اش در اوضاع پرتنش کوفه در سال ۶۰ سخنی به میان نیامده، فقط بلعمی، در روایتی قابل تردید، او را از شیعیانی دانسته است که تشیع خود را مخفی می‌کردند (ج ۴، ص ۷۰۴).

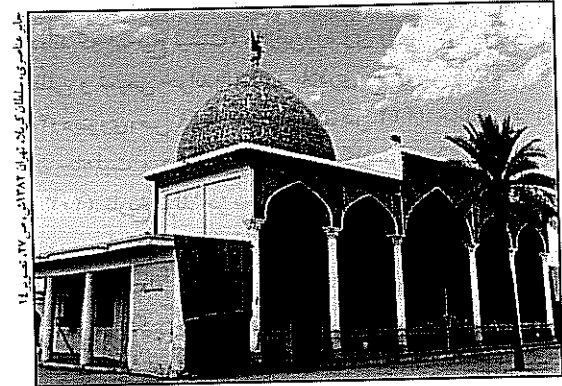
چون عبیدالله بن زیاد از حرکت امام حسین به سوی عراق خبر یافت، حُصَین بن تعمی، صاحب شرطه کوفه، را به قادسیه فرستاد. حصین نیز حرّ را با هزار سپاهی، به منزله مقدمه سپاه، از قادسیه روانه کرد. امام حسین در ذی حُجُم با حرّ و سپاهش رویه‌رو شد (بلاذری، ج ۲، ص ۴۷۲؛ طبری، ج ۵، ص ۴۰۰؛ قس مفید، ج ۲، ص ۶۹، ۷۸؛ اخطب خوارزم، ج ۱، ص ۳۲۷، ۳۳۰). تصریح منابع بر آن است که حرّ نه برای جنگ بلکه صرفاً برای انتقال امام نزد ابن زیاد اعزام شده بود و ازین رو با سپاهانش رو در روی توقفگاه کاروان امام صف‌آرایی کرد (به بلاذری، ج ۲، ص ۴۷۳؛ دینوری، ص ۲۴۹-۲۵۰؛ مفید، ج ۲، ص ۸۰؛ اخطب خوارزم، ج ۱، ص ۳۳۲). به‌رغم این صف‌آرایی خصمانه، واکنش امام صلح‌آمیز بود، چنان که به یارانش دستور داد سپاهیان حرّ و اسبانشان را سیراب کنند. چون حرّ ابراز تمایل کرد که با یارانش در نماز به امام اقتدا کند، امام پذیرفت و متعاقباً، با یادآوری مکاتبات و درخواستهای مکرر کوفیان مبنی

۱. دویلر و الیاس یرس، تطوان ۱۹۵۲؛ محمد بن زکریا رازی، کتاب الحاوی فی الطب، حیدرآباد، دکن ۱۳۷۴-۱۳۹۳/۱۹۷۳-۱۹۵۵؛ احمد وصفی زکریا، حیوانات و طیور بلاد الشام فی سوریا و فلسطین و الاردن و لبنان، ضبط و تقدیم احمد غتان سبانو، دمشق ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ مصلح بن عبدالله سعدی، کلیات سعدی، چاپ محمدعلی فروغی، تهران ۱۳۶۳؛ محمد داود سلوم، معجم الکلمات الأکدیه فی اللغات الشرقیة القدیمة و الإغریقیه و اللاتینیة، بیروت ۲۰۰۳؛ یحیی بن حبش سهروردی، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۳، چاپ حسین نصر، تهران ۱۳۷۳؛ شاکر هادی شکر، الحیوان فی الادب العربی، بیروت ۱۹۸۵/۱۴۰۵؛ عاشق، فرهنگ لسان الشعراء، چاپ نذیر احمد، دهلی نو ۱۲۷۴؛ عقیلی علوی شیرازی، ادوار غالب، الموسوعة فی علوم الطبیعة، بیروت ۱۹۸۸؛ زکریا بن محمد قزوینی، عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات (تحریر فارسی)، چاپ نصرالله سبروحی، [تهران] ۱۳۶۱؛ ابراهیم قوام فاروقی، شرفنامه منیری، یا، فرهنگ ابراهیمی، ج ۱، چاپ حکیمه دبیران، تهران ۱۳۸۵؛ سعید سعد سلمان، دیوان، چاپ غلامرضا رشیدپاسمی، تهران ۱۳۶۲؛ امین فهد معلوف، معجم الحیوان، بیروت ۱۹۸۵/۱۴۰۵؛ رفائیل نخله، غرائب اللغة العربیة، بیروت ۱۹۶۰؛

G. C. Akani, O. K. Ogbalu, and L. Luiselli, "Life-history and ecological distribution of chameleons (Reptilia, Chamaeleonidae) from the rain forests of Nigeria: conservation implications", *Animal biodiversity and conservation*, vol. 24, no.2 (2001); Aristoteles, *The complete works of Aristotle*, ed. Jonathan Barnes, Princeton, N. J. 1995; E. N. Arnold, "A key and annotated check list to the lizards and amphisbaenians of Arabia", in *Fauna of Saudi Arabia*, vol.8, ed. W. Büttiker and F. Krupp, Basle, Switzerland: Pro Entomologia c/o Natural History Museum, 1986; Anthony Herrel, Jay J. Meyers, and Peter Aerts, "Functional implications of supercontracting muscle in the chameleon tongue retractors", *The Journal of experimental biology*, vol.204 (2001); Henry George Liddell and Robert Scott, *A Greek-English lexicon*, Oxford 1977.

/ شمامه محمدی فر /

حُربین یزید ریاحی، فرمانده بخشی از سپاه عبیدالله بن زیاد در واقعه کربلا، که به سبب ندامت از اقدام خود و پیوستن به امام حسین علیه السلام، نزد شیعیان حرمتی خاص دارد. حربین یزید بن ناجیه بن قُعب بن عتاب بن حارث بن عمرو بن هَمام بن بنوریاح بن یربوع بن خنظله، از تیره‌های قبیله تمیم\*، متب است (ابن کلی، ج ۱، ص ۲۱۳، ۲۱۶؛ دواداری، ج ۴، ص ۸۷، ۸۹ نام وی را جریر بن یزید، یافعی، ج ۱، ص ۱۰۸



بقعه منسوب به حربین یزید ریاحی، واقع در نزدیکی کربلا (عکس از رضا برجی)

کرد و درخواست امام و یارانش را مبنی بر اردو زدن در روستای نینوا (یا غاضریه یا شَفِیّه / شَفِیّه) در همان حوالی نپذیرفت. امام ناگزیر در کربلا (بنابر پاره‌ای روایات، نزدیک روستای عقر)، در نزدیکی رود فرات، اردو زد (دینوری، ص ۲۵۱-۲۵۲؛ طبری، همانجا؛ مفید، ج ۲، ص ۸۴؛ اخطاب خوارزم، همانجا).

حز اگرچه اقدامی سخت‌گیرانه کرد، اما رفتارش با امام محترمانه بود (حتی یک بار با اشاره به حرمت خاص فاطمه زهرا سلام‌الله علیها از پاسخگویی به امام احتراز کرد - بلاذری، ج ۲، ص ۴۷۳؛ طبری، ج ۵، ص ۴۰۲). وی، که همچنان به برقراری صلح امید داشت، با رسیدن لشکر چند هزار نفری عمر بن سعد به کربلا و عزم کوفیان برای جنگ با امام حسین، شگفت‌زده شد (برای اطلاع از گفتگوی حُرّ با عمر بن سعد و پاسخ عمر بن سعد مبنی بر برپایی جنگی هولناک - مفید، ج ۲، ص ۹۹؛ اخطاب خوارزم، ج ۲، ص ۱۲). برای حُرّ، که از شنیدن سخنان امام حسین سخت متأثر و متقلب شده بود (- اخطاب خوارزم، همانجا)، مشاهده عهدشکنی و جنگ‌طلبی کوفیان، بی‌توجهی آنان به خطابه‌های مکرر امام (از اول تا دهم محرم) و ممانعتشان از دسترسی امام و یارانش به آب، تردیدی باقی نگذاشت که دسیسه‌ای ناگوار در حال شکل‌گیری است. از این‌رو، در تغییر جبهتی آشکار، در روز دهم محرم لشکرش را رها کرد و به امام حسین پیوست. گفته‌اند که وی با حالی پریشان با امام مواجه شد و با اذعان به اینکه هرگز گمان نمی‌کرده است که کوفیان کار را به جنگ بکشانند، طلب بخشش کرد. امام برایش استغفار نمود و فرمود که تو در دنیا و آخرت آزادمرد هستی (- بلاذری، ج ۲، ص ۴۷۵-۴۷۶، ۴۷۹؛ طبری، ج ۵، ص ۳۹۲، ۴۲۲، ۴۲۷-۴۲۸؛ مفید، ج ۲، ص ۱۰۰-۱۰۱؛ اخطاب خوارزم، ج ۲، ص ۱۲-۱۳، قس ص ۱۴، که جمله امام درباره حُرّ را پس از کارزار وی می‌داند).

تغییر موضع این فرمانده ارشد سپاه ابن‌زیاد چنان شگفت‌آور بود که برخی در تبیین علت آن، به عواملی چون بشارت سروش غیبی به حُرّ یا رؤیای صادقه او متوسل شده‌اند (- ابن‌بابویه، ص ۲۱۸؛ ابن‌نما، ص ۵۹؛ حائری خراسانی، ص ۹۶)، که البته چنین وجهی، صرف‌نظر از صحت و سقم آن، از ارزش انتخاب حساس و دشوار حُرّ نمی‌کاهد (نیز - بیضون، ج ۱، ص ۶۷۸-۶۷۹، که تربیت صحیح حُرّ را مؤثرترین عامل در تصمیم‌گیری او دانسته است). برخی سخنان وی، در آستانه پیوستن به امام، نیز بر انتخابی بودن کار او صحه می‌گذارد، از جمله اینکه گفته بود خود را میان بهشت و جهنم متخیر می‌بینم و به خدا اگر پاره پاره‌ام کنند و بسوزانند، چیزی را بر بهشت نمی‌گزینم (برای اطلاع بیشتر - بلاذری، همانجا؛ مفید، ج ۲، ص ۹۹؛ اخطاب خوارزم، ج ۲، ص ۱۲). زمان توبه حُرّ تا شهادت وی چندان به

بر عزیمت امام به کوفه و در درست گرفتن زمام امور، تصریح کرد که چنانچه کوفیان از خواست خود پشیمان شده‌اند، باز می‌گردد. حُرّ از وجود چنین مکاتباتی اظهار بی‌اطلاعی کرد و گفت که او و همراهانش در زمره نویسندگان نامه‌ها نبوده‌اند و وی مأموریت دارد امام را به کوفه نزد ابن‌زیاد ببرد. چون امام با یاران خویش عزم بازگشت به مدینه نمود، حُرّ ممانعت کرد و پیشنهاد نمود که امام راهی غیر از راه کوفه و مدینه در پیش گیرد تا وی بتواند از ابن‌زیاد کسب تکلیف کند. آنگاه امام حسین و یارانش در مسیر عذیب و قادسیه حرکت کردند و حُرّ نیز همراه آنان بود (بلاذری، ج ۲، ص ۴۷۲-۴۷۳؛ دینوری، ص ۲۴۹-۲۵۰؛ طبری، ج ۵، ص ۴۰۲-۴۰۳؛ مفید، ج ۲، ص ۷۸-۸۰).

حُرّ اگرچه مأمور جنگ نبود، از همان ابتدا احتمال وقوع درگیری با امام حسین آزارش می‌داد و حتی گفته‌اند به امام هشدار داد که اگر بجنگد حتماً کشته خواهد شد، اما امام پاسخ داد که از مرگ و شهادت در راه خدا ترسی ندارد. در عذیب چهار تن از یاران امام از کوفه نزد حضرت رسیدند. حُرّ قصد دستگیر کردن یا بازگرداندن آنان را داشت، اما امام مانع شد. آنان از وخامت اوضاع کوفه، کشته شدن قیس بن مُسَهر صیداوی (فرستاده امام به کوفه) و آماده شدن سپاهی بزرگ برای جنگ با امام خبر دادند (- بلاذری، ج ۲، ص ۴۷۳-۴۷۴؛ طبری، ج ۵، ص ۴۰۳-۴۰۶؛ اخطاب خوارزم، ج ۱، ص ۳۳۱-۳۳۳). از سوی دیگر، توافق حُرّ با امام، در روز دوم محرم (قس دینوری، ص ۲۵۳؛ اول محرم) پایان یافت؛ دو گروه به روستای نینوا رسیده بودند که نامه ابن‌زیاد به دست حُرّ رسید مبنی بر آنکه بر امام و یارانش سخت بگیرد و آنان را در زمینی بی‌آب و علف و بی‌حصار متوقف کند (دینوری، ص ۲۵۱؛ طبری، ج ۵، ص ۴۰۸-۴۰۹؛ مفید، ج ۲، ص ۸۱-۸۴؛ قس اخطاب خوارزم، ج ۱، ص ۳۳۴). حُرّ، که در تنگنا قرار گرفته و پیک ابن‌زیاد به مراقبت و جاسوسی او گماشته شده بود، به ناچار کاروان امام را متوقف

عطا، بیروت ۱۹۹۲/۱۴۱۲؛ ابن طاووس، مقتل الحسين عليه السلام، المسمى باللعوف فی قتلى الطفوف، قم [۱۴۱۷]؛ ابن عماد؛ ابن کثیر، البداية و النهایة، چاپ علی شیر، بیروت ۱۹۸۸/۱۴۰۸؛ ابن کلبی، جمهرة النساب، ج ۱، چاپ ناجی حسن، بیروت ۱۹۸۶/۱۴۰۷؛ ابن نما، مشیر الاحزان، قم ۱۴۰۶؛ ابن وردی، تاریخ ابن الوردی، نجف ۱۹۶۹/۱۳۸۹؛ موفق بن احمد اخطب خوارزم، مقتل الحسين عليه السلام للخوارزمی، چاپ محمد سماری، [قم] ۱۳۸۱؛ ابن علی ادیب الملک، سفرنامه ادیب الملک به عتبات (دلیل الزائرین)، چاپ مسعود گلزاری، تهران ۱۳۶۴؛ امین؛ احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، چاپ محمود فردوس العظم، دمشق ۱۹۹۶-۲۰۰۰؛ محمد بن محمد بلعمی، تاریخنامه طبری، چاپ محمد روشن، تهران ۱۳۸۰؛ لیب بیضون، موسوعة کربلاء، بیروت ۲۰۰۶/۱۴۲۷؛ نعمت الله بن عبد الله جزایری، الانوار النعمانية، بیروت ۱۹۸۴/۱۴۰۴؛ هادی حائری خراسانی، القول السدید بشأن الحز الشهید، چاپ محمد تقی حسینی جلالی، نجف ۱۹۷۴/۱۳۹۴؛ محمد حسین حسینی جلالی، خاک پاکان: تاریخ آرامگاههای خاندان پیامبر علیهم السلام و صحابه خاص آن، ترجمه قربانعلی اسماعیلی، مشهد ۱۳۸۰؛ حمد الله مستوفی، تاریخ گزیده؛ ابوبکر بن عبدالله دواداری، کنز الدرر و جامع الغرر، ج ۴، چاپ کونیهل گراف و اریکا گلاسن، بیروت ۱۹۹۴/۱۴۱۵؛ احمد بن داوود دینوری، الاخبار الطوال، چاپ عبدالمنعم عامر، مصر [۱۹۵۹/۱۳۷۹]، چاپ افت بغداد [بی تا]؛ محمد سماری، إنبصار العین فی انصار الحسین علیه السلام، چاپ محمد جعفر طیبی، [قم] ۱۳۷۷؛ محمد مهدی شمس الدین، انصار الحسین: دراسة عن شهداء ثورة الحسین، الرجال و الدلالات، [بیروت] ۱۹۸۱/۱۴۰۱؛ طبری، تاریخ (بیروت)؛ حسین بن علی کاشفی، روضة الشهداء، چاپ محمد رمضانی، [تهران] ۱۳۴۱؛ مشکویه؛ محمد بن محمد مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم ۱۴۱۳؛ حسین بن محمد تقی نوری، لؤلؤ و مرجان: در آداب اهل منبر، تهران ۱۳۷۹؛ عبدالله بن اسعد یافعی، مرآة الجنان و عبرة الیقظان، بیروت ۱۹۹۷/۱۴۱۷.

/ سیده رقیه میرابوالقاسمی /

## حربی ← دار الاسلام (۱)؛ کفر

حربی، ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق، عالم و محدث حنبلی خراسانی الاصل ساکن بغداد، در قرن سوم. به نوشته خطیب بغدادی (ج ۶، ص ۵۲۳)، حربی در ۱۹۸ به دنیا آمده است. عموم شرح حال نگاران بعدی نیز بخش عمده مطالب خود را درباره حربی به نقل از او آورده اند (برای نمونه ← ابن ابی یعلی، ج ۱، ص ۲۱۸-۲۳۵؛ سمعانی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۱۹۷-۱۹۸؛ قفطی، ج ۱، ص ۱۵۵-۱۵۸). اصل حربی از مرو بود، ولی در بغداد سکونت داشت (خطیب بغدادی، ج ۶، ص ۵۲۳-۵۲۴). به نوشته خطیب بغدادی (همانجا)، مادر حربی از قبیله تغلبیه بود. سبب شهرت او به حربی، طبق گفته خود او اقامتش

طول نینجامید. بنابر روایتی، حرّ از امام تقاضا کرد که چون نخستین کسی بوده که بر امام خروج کرده، امام اجازه دهد که نخستین مبارز و شهید باشد (← ابن اعثم کوفی، ج ۵، ص ۱۰۱؛ اخطب خوارزم، ج ۲، ص ۱۳). وی بلافاصله پس از پیوستن به امام، راهی میدان نبرد شد و پس از گفتگوی دوباره و بی نتیجه با عمر بن سعد و ذکر سختانی در تقبیح رفتار زشت کوفیان، رجزگویان با آنان جنگید و سرانجام، پس از چندین نوبت نبرد، به شهادت رسید (← بلاذری، ج ۲، ص ۴۷۶، ۴۸۹، ۴۹۴، ۵۱۷؛ طبری، ج ۵، ص ۴۲۹-۴۳۴، ۴۳۵-۴۳۷، ۴۴۰-۴۴۱؛ مفید، ج ۲، ص ۱۰۲-۱۰۴؛ نیز ← کربلاء، واقعه).

بنابر برخی منابع متأخر، پسران و برادر و غلام حرّ نیز هم زمان با حرّ به امام حسین پیوستند و در واقعه کربلاء به شهادت رسیدند (← اخطب خوارزم، ج ۲، ص ۱۳؛ کاشفی، ص ۲۸۱-۲۸۲؛ حائری خراسانی، ص ۱۲۰-۱۲۷؛ قس شمس الدین، ص ۸۴-۸۵)، اما این مطالب، به سبب اشاره نشدن به آنها در منابع مقدم، چندان درخور اعتماد نمی نمایند. درباره اعقاب حرّ نیز اشاراتی در دست است. حمد الله مستوفی (ص ۸۱۱-۸۱۲) بر آن است که خاندان مستوفیان قزوین، که وی به آن تعلق دارد، از اعقاب حرّ بن یزید ریاحی اند (درباره نسبت خاندان حرّ عاملی به حرّ بن یزید ← حرّ عاملی \*). به گفته امین (ج ۱، ص ۶۱۳)، گروهی از قبیله حرّ، پس از واقعه کربلاء، جسد وی را در مکانی دورتر از سایر شهدا به خاک سپردند. در قرن دهم، مزار حرّ شناخته شده بود و گفته شده است که شاه اسماعیل اول صفوی بقعه ای بر آن بنا نهاد (← جزایری، ج ۳، ص ۲۶۵-۲۶۶). در دوره قاجار، مادر آقاخان محلاتی اقدام به تعمیر بقعه نمود و نیز صحنی قلعه مانند برای آن بنا نهاد تا، در مقابل خطر راهزنان، مأمنی برای زائران باشد (ادیب الملک، ص ۲۱۳). در ۱۳۲۵ حسین خان شجاع السلطنه مرقد حرّ را بازسازی کرد و در ۱۳۳۰ سید عبدالحسین کلیددار، ایوان آرامگاه او را مرمت کرد (حسینی جلالی، ص ۹۷). امروزه این مزار، در چند کیلومتری بارگاه امام حسین (از سمت مغرب)، قرار دارد که بر آن قبه و بارگاهی برپاست (امین، ج ۴، ص ۶۱۴؛ شمس الدین، ص ۱۴۲)، اما درباره صحت انتساب این مزار به حرّ تردید وجود دارد. برخی، ضمن رد این انتساب، بر آن اند که وی در کنار دیگر شهدای کربلاء و در نزدیکی امام حسین مدفون است (← مفید، ج ۲، ص ۱۱۴، ۱۲۶؛ نوری، ص ۱۰۶)، لیکن به نظر سید محسن امین (ج ۱، ص ۶۱۳) شهرت این مزار و تقدید مردم به زیارت آن، غیر مستند نیست.

منابع: ابن اعثم کوفی، کتاب الفتح، چاپ علی شیر، بیروت ۱۹۹۱/۱۴۱۱؛ ابن بابویه، الامالی، قم ۱۴۱۷؛ ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، چاپ محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر